

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر

عنوان:

دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین المللی و حقوق ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رضا اسلامی

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

دانشجو:

عطیه فخاری

ر.م. و.ع.م.ت.د.ک.م.ع.م.ی.ر.ب.و
تسبیح مدرک

شهریور ۱۳۸۸

۱۴۲۵۳۵

نام خانوادگی: فخاری

نام: عطیه

سال ورود: ۱۳۸۵

رشته تحصیلی: حقوق بشر

استاد راهنما: دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی

تاریخ فراغت از تحصیل: شهریور ۱۳۸۸

استاد مشاور: دکتر رضا اسلامی

عنوان پایان نامه: دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین المللی و حقوق ایران

چکیده

از مهم‌ترین اقسام جامعه بشری اطفال هستند و توجه به این گروه از جنبه‌های مختلف مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با اطفال - با توجه به آسیب‌پذیری این گروه - دادرسی عادلانه اطفال است. نظام بین‌الملل حقوق بشر با توجه به گستردگی و فراگیر بودن این موضوع در تمام جوامع، به منظور ایجاد حداقل استانداردهای مشترک، ضوابطی را وضع نموده است.

در این تحقیق تلاش می‌کنیم تا با بررسی استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی، میزان پایبندی دولت ایران به این استانداردها را با توجه به تعهدات موجود در این زمینه، بررسی نماییم. در جهت دستیابی به این هدف چالش‌ها، خلأها و راهکارهای موجود در حقوق ایران به عنوان سه محور اصلی مورد توجه قرار گرفته است.

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش تحلیلی - توصیفی با تکیه بر اسناد داخلی و بین‌المللی و حوزه مورد بررسی شامل مراحل مختلفی از جمله تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای تصمیم است. علاوه بر این، مسائل بنیادین حوزه دادرسی اطفال نظیر تدریجی بودن مسئولیت کیفری، ممنوعیت استفاده از مجازات‌هایی نظیر شلاق، اعدام و... به ویژه نگرش موجود در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان - که اکنون در دست بررسی است - نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

نتیجه تحقیق حاکی از آن است که تلاش قانونگذار داخلی در لایحه مذکور، به منظور جمع رویکردهای فقهی، حقوقی و حقوق بشری در مواردی همچون مسئولیت کیفری و مجازات‌ها منجر به بروز تناقضات منطقی در آن شده است. به منظور استفاده هرچه بیشتر از استانداردهای حقوق بشری در این زمینه لازم است قابلیت‌های فقه پویا بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه: دادرسی افتراقی، مجازات‌های جایگزین، مسئولیت کیفری تدریجی، نهادهای اختصاصی، اسناد بین‌المللی، لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۴	بخش اول: چالش‌ها و خلأهای حقوق ایران در وضع استانداردهای دادرسی عادلانه اطفال
۱۵	فصل اول: اصول چالش برانگیز دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی با حقوق ایران
۱۷	گفتار اول: تدریجی بودن مسئولیت کیفری
۲۳	گفتار دوم: اجتناب از توسل به ضمانت‌اجزاهای کیفری (کیفرزدایی)
۳۸	فصل دوم: اصول دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی و خلأهای حقوق ایران
۳۹	گفتار اول: مشارکتی بودن دادرسی
۴۹	گفتار دوم: سری بودن دادرسی
۵۴	بخش دوم: راهکارهای حقوق ایران در پیشبرد استانداردهای دادرسی عادلانه اطفال
۵۵	فصل اول: تأسیس مراجع اختصاصی رسیدگی به جرایم اطفال
۵۶	گفتار اول: دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان
۶۹	گفتار دوم: دادرسی ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان
۷۴	گفتار سوم: واحدهای ویژه پلیس اطفال و نوجوانان
۸۱	گفتار چهارم: واحدهای مددکاری
۸۹	فصل دوم: وضع نهادهای مرتبط با اطفال و نوجوانان بزهکار
۹۱	گفتار اول: نهادهای جایگزین دادرسی رسمی
۹۵	گفتار دوم: نهادهای جایگزین مجازات‌های کیفری
۱۰۳	نتیجه گیری
۱۱۳	منابع و مأخذ

الف) طرح موضوع

طفل یا نوجوانی که وارد فرآیند دادرسی می‌شود از دو جهت مورد توجه سیستم دادرسی قرار می‌گیرد؛ اول از جهت مظنون، متهم یا مجرم بودن و دوم از جهت ویژگی‌های خاص ناشی از صغر سن. این امر اقتضا می‌کند علاوه بر اینکه طفل از تضمینات بنیادین یک دادرسی عادلانه مانند اصل برائت، حق تفهیم اتهام و... برخوردار باشد، از حمایت‌های لازم و متناسب با سن خود نیز بهره‌مند گردد. زیرا یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه، اصل برابری سلاح‌ها^۱ است و این اصل ایجاب می‌کند که در تشریفات دادرسی، متهم همان حقوقی را داشته باشد که شاکی یا دادستان از آن برخوردار است. دادرسی عادلانه تلاش می‌کند بین شاکی که حاکمیت^۲ مدافع اوست و متهم که پشتوانه‌ای ندارد تعادل برقرار نماید تا از تضعیف حقوق وی جلوگیری شود.^۳ این فاصله و شکاف در صورتی که طرف مقابل حاکمیت، طفل باشد، به علت آسیب‌پذیری و عدم توانایی وی در دفاع از خود مشهودتر است. ضرورت ایجاد تضمینات لازم و وضع قواعد الزامی جهت تضمین حقوق طفل ایجاب می‌کند که شاخه‌ای از دادرسی عادلانه تحت عنوان «دادرسی عادلانه اطفال» این اهداف را محقق نماید.

دادرسی عادلانه اطفال به منظور تحقق اهداف خود نه تنها بسیاری از موضوعات حقوق مدنی و سیاسی را دربر می‌گیرد، بلکه در مواردی از جمله شرایط دوره بازداشت ناظر به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز است. به همین جهت دادرسی عادلانه مجموعه‌ای است که طیف وسیعی از حقوق بشری را در خود جای می‌دهد و تعهد دولت‌ها در این زمینه، در دو بعد «سیاست‌گذاری»^۴ و «تخصیص منابع»^۵ باید لحاظ شود.

^۱ Equality of arms

^۲ در اینجا منظور دادستان به عنوان نماینده حاکمیت است.

^۳ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس دادرسی عادلانه و عدالت قضائی، دوره کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، ص ۱۰.

^۴ روش‌های سیاست‌گذاری و اجرایی مربوط به دادرسی نوجوانان از جمله مباحثی است که مکرراً مورد انتقاد کمیته حقوق کودک که مسئول نظارت و اجرای مفاد پیمان نامه حقوق کودک است قرار می‌گیرد. در حقیقت کمیته فوق در خلال حدود دو سوم از گزارش‌های دولتی که تا کنون مورد بررسی قرار داده است به وجود معضلاتی در این زمینه اشاره می‌کند. (اینونجنتی دایجست، مرکز بین‌المللی رشد کودک، «دادرسی ویژه نوجوانان»، ژانویه ۱۹۹۸، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، ص ۲).

برای نیل به این هدف، سیستم دادرسی اطفال نیازمند ابزارهای قانونی و اجرایی خاصی است که بدون آنها امکان بازپروری طفل وجود ندارد. این امر با نظارت بر استانداردهای دادرسی عادلانه اطفال توسط حقوق بشر بین‌المللی محقق می‌شود. حقوق بشر با وضع «قواعد آمره» محدودیت‌هایی را در مقابل حقوق جزا قرار می‌دهد به نحوی که می‌توانیم حقوق بشر را فیلتری بدانیم که تمام موضوعات حقوقی پس از گذر از آن شایستگی تصویب و اجرا پیدا می‌کنند و در این میان مسائل مرتبط با حقوق کیفری اطفال از موضوعاتی است که حقوق بشر با دقت بسیار آن را مورد توجه قرار داده و ملاک‌های لازم را در این زمینه وضع می‌نماید.

ایجاد تشکیلات قضایی ویژه نوجوانان بر این مبنا قرار دارد که اطفال مرتکب جرم، نیازمند برخوردی متناسب با ویژگی‌های سنی و رشد عقلی خود هستند. نظام دادرسی که نه تنها رویکرد سرکوبگرانه نسبت به این گروه نداشته باشد، بلکه حمایت‌های لازم را متناسب با وضعیت آنها ارائه دهد^۶ و از هرگونه برخورد مغایر با مصلحت طفل خودداری کند. لذا در برخورد و قانونگذاری نسبت به طفل باید به اصولی متفاوت از آنچه بزرگسالان تابع آن هستند پایبند باشیم تا حدی که حتی برخی از اصول خدشه‌ناپذیر دادرسی عادلانه بزرگسالان خلاف «مصلح عالی‌ه اطفال»^۷ تلقی می‌شود.

با درک ضرورت تشکیل دادگاه خاص و آیین دادرسی ویژه برای این گروه، «اولین دادگاه نوجوانان در سال ۱۸۹۹ در ایالت ایلینویز آمریکا تأسیس شد. به زودی این قانون به سراسر این کشور و سریعاً به سایر نقاط جهان تسری یافت. بریتانیا در ۱۹۰۸، فرانسه و بلژیک در ۱۹۱۲، اسپانیا در ۱۹۱۸، هلند در ۱۹۲۱، آلمان در

^۵ یکی از محورهای مورد توجه کنوانسیون حقوق کودک که منجر به پیشگیری از بزهکاری می‌شود، تأمین نیازهای اساسی طفل است. دولت مطابق ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، موظف به فراهم کردن نیازهای کودکان و تدوین مقرراتی است که بر اساس آن، نیازهای اساسی کودک مانند حق زندگی، حق بهداشت، حق تحصیل، حق داشتن پدر و مادر یا ولی و... در هر شرایطی تأمین و مورد توجه قرار گیرند. چنانچه دولت نیازهای طفل را نادیده گیرد و طفل به علت قرار گرفتن در شرایط دشوار ناشی از عدم تأمین نیازهای خود مرتکب جرم شود، در واقع بزه دیده محسوب می‌شود و دولت در معرض اتهام نقض حقوق کودک قرار می‌گیرد. به علاوه در طول دادرسی و اجرای حکم نیز لازم است منابعی جهت استفاده از وکیل و حضور طفل در کانون اصلاح و تربیت فراهم شود.

^۶ CHINS (child in need of supervision) اصطلاحی است که در خصوص اطفالی که در دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند استفاده می‌شود و اشاره به این موضع دادگاه نسبت به اطفال دارد.

See :Juvenile law :A Glossary of Terms at :<http://www.apsu.edu/oconnort/juvjusp.html>.

^۷ Best interest of the child دکترین حقوقی که مطابق آن دادگاه ملزم به اتخاذ تصمیم مبتنی بر بالاترین منافع طفل و بهترین محیط برای رشد او است.

۱۹۲۲ و اتریش در ۱۹۲۳ نسبت به تشکیل دادگاه اطفال اقدام کردند. در سال ۱۹۳۱ مقامات جامعه ملل گزارش کردند که اینگونه دادگاه‌ها در سی کشور جهان ایجاد شده است.^۸

فراگیر شدن تشکیل دادگاه‌های اطفال در سراسر جهان و نیاز دولت‌ها به استفاده از اصول واحد به عنوان الگویی برای دادرسی عادلانه، موجب شد تا سازمان ملل در این زمینه به وضع قواعد و هنجارهایی بپردازد. تا پیش از سال ۱۹۴۵، بحث حقوق بشر و به طریق اولی حقوق کودک در مباحث بین‌المللی خالی بود زیرا طبق حقوق بین‌الملل کلاسیک تنها دولت‌ها دارای حق و تکلیف و به عبارتی «تابع» حقوق بین‌الملل محسوب می‌شدند. با تشکیل سازمان ملل متحد، مسأله حقوق بشر در منشور این سازمان گنجانده شد. ماده یک منشور در مقام بیان اهداف سازمان مقرر می‌دارد: «دستیابی به همکاری‌های بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه و توسعه و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب...». بدین ترتیب، مسأله حقوق بشر وارد عرصه حقوق بین‌الملل شد و دیگر، دولت‌ها نمی‌توانند با اتکا به «صلاحیت ملی» یا «حاکمیت» خود حقوق بشر را نقض کنند و انتظار داشته باشند جامعه بین‌المللی از خود واکنش نشان ندهد.^۹ پس از تثبیت حقوق بشر به صورت عام، هنجارسازی برای تضمین حقوق اقشار خاص که در معرض آسیب‌های بیشتری قرار داشتند مورد توجه نظام بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفت. به این ترتیب روند شکل‌گیری دادرسی افتراقی اطفال که از سالهای اولیه سده بیستم در نظام‌های داخلی کشورها شروع شده بود، در دو دهه آخر این قرن روند بین‌المللی به خود گرفت و با تصویب اسنادی در این زمینه «قواعد بین‌المللی دادرسی اطفال» به وجود آمد. این قواعد عبارت بودند از:

- مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن)،^{۱۰} قطعنامه ۴۰/۳۳

مصوب مجمع عمومی، در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵،^{۱۱}

^۸ اینوچنتی دایجست، منبع پیشین، ص ۱۰.

^۹ امیر ارجمند، اردشیر (مجری طرح)، پروژه تأسیس نهاد ملی حقوق کودک (گزارش نهایی)، کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی، بی‌تا، ص ۹.

^{۱۰} سازمان ملل متحد هر پنج سال یکبار با کمک بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، کنگره‌های موسوم به پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران برگزار می‌کند. در این گردهمایی خواست دولت‌ها در قلمرو سیاست جنایی تبلور و انعکاس می‌یابد. در ۱۹۸۰، در کنگره ششم، در کاراکاس (ونزوئلا) توصیه گردید که سازمان ملل خود به تدوین قواعد حداقل استاندارد ناظر به تشکیلات و نحوه دادرسی اطفال بپردازد. متن قواعد در سال ۱۹۸۵ در کنگره هفتم در میلان تأیید و سرانجام در گردهمایی بیجینگ (پکن) پذیرفته شد. اردبیلی، محمدعلی، حمایت‌های بین‌المللی از اطفال و نوجوانان بزهکار، به نقل از:

- رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)، قطعنامه

۴۵/۱۱۲ مصوب مجمع عمومی در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰،^{۱۲}

- مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، قطعنامه ۴۵/۱۱۳ مصوب مجمع عمومی در

۱۴ دسامبر ۱۹۹۰.^{۱۳}

موضوع مورد بحث تمام این اسناد دادرسی اطفال از زوایای گوناگون است و تمام این مقررات در زمینه دادرسی ویژه اطفال یکدیگر را تقویت می‌کنند و مکمل یکدیگر به شمار می‌روند به نحوی که پیشگیری از موارد نقض قانون توسط کودکان در مرحله اول از طریق کنوانسیون حقوق کودک و در مراحل بعد از طریق مقررات ریاض، و برخورد با کودکان معارض با قانون از طریق کنوانسیون حقوق کودک، مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی و مقررات پکن صورت می‌گیرد.

اگرچه اسناد فوق‌الذکر به طور اختصاصی به موضوع دادرسی اطفال پرداخته‌اند اما این موضوع در اسناد عام حقوق بشری نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶^{۱۴} نیز بیان شده بود. میثاق اصول فوق را به شکل «قوانین لازم‌الاجرا» مورد تأکید قرار داده است؛ از جمله در بند ۵ ماده ۶ صدور حکم اعدام را در مورد محکومانی که به هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند ممنوع اعلام می‌کند. همچنین بند ۴ ماده ۱۴ همین سند اعلام می‌دارد که: «در مورد افراد نوجوان آیین دادرسی باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان را بنماید».^{۱۵}

¹¹ United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice; (The Beijing rules) A/Res.40/33, 29 Nov.1985.

¹² United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency.A/Res.45/112.14 Dec.1990.

¹³ United Nations rules for the Protection of Juveniles Deprived of Their Liberty .A/Res.45/113,14 Dec.1990.

¹⁴ International Covenant on Civil and Political Rights, UN General Assembly resolution 2200A XXI, December 16, 1966, entered into force March 23, 1976.

¹⁵ ایران در سال ۱۳۵۴ به طور مطلق و بدون هرگونه قید و شرط به میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیوسته و متعهد به اجرای مفاد آن است.

اما مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه دادرسی اطفال، کنوانسیون حقوق کودک است.^{۱۶} کنوانسیون حقوق کودک با هدف ایجاد قواعد الزام‌آور، در بردارنده فهرست جامعی از حقوق کودک در تمامی ابعاد است که هر دولت عضو وظیفه دارد در جهت تحقق آنها تلاش کند. حق برخورداری کودک از دادرسی منصفانه و عادلانه تنها یکی از این حقوق است که به ویژه در مواد ۳۷ و ۴۰ این سند درج شده است. سایر اسناد صرفاً توصیه‌هایی موضوعی بوده که نه به منظور الزام بلکه با هدف ترغیب و هدایت در زمینه اجرای کنوانسیون و یا تدوین مقررات داخلی، در جامعه بین‌المللی وضع گشته‌اند. کنوانسیون حقوق کودک نتیجه تلاش چندین دهه گفتمان بین‌المللی در زمینه حقوق کودک است که تا پیش از آن، یا در میان اسناد عام حقوق بشر مانند میثاق مورد تصریح قرار می‌گرفت و یا تنها جنبه‌هایی از آن مورد بحث در مجامع بین‌المللی بود. کنوانسیون حاصل تجربیاتی است که عمدتاً طی سی سال از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق کودک در ۱۹۵۹^{۱۷} تا تصویب کنوانسیون حقوق کودک در ۱۹۸۹ به تدریج تکمیل و پخته شد.

گرچه در بین اسناد مذکور تنها اسناد لازم‌الاجرا در زمینه دادرسی اطفال کنوانسیون حقوق کودک و میثاق حقوق مدنی و سیاسی هستند اما کمیت در توصیه‌های خود نه تنها بر انطباق مقررات داخلی با مفاد این اسناد بلکه به هماهنگی این مقررات با سایر اسناد ارشادی موجود در این زمینه توجه دارد. در این خصوص کمیته در بررسی دومین گزارش دوره‌ای ایران در سال ۱۳۸۳ (ژانویه ۲۰۰۵) مقرر می‌دارد که طرف دولتی باید از این امر اطمینان حاصل نماید لایحه‌ای که در روند قانونگذاری ایران در حال تدوین است «... با مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک به ویژه مواد ۳۷، ۴۰ و ۳۹ و همچنین سایر معیارها و استانداردهای جهانی مربوط به این مسأله نظیر مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل متحد مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن)، رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)، مقررات سازمان ملل متحد در مورد حمایت از

¹⁶ Convention on the rights of the child. Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989. Entry into force 2 September 1990.

¹⁷ اعلامیه جهانی حقوق کودک در ۱۰ ماده صرفاً به حقوق اساسی که برای تمام کودکان که تحت هر شرایطی باید تأمین شود توجه می‌کند بنابراین به مسأله دادرسی اطفال که تنها به بخشی از اطفال اختصاص دارد نمی‌پرداخت و تمام جنبه‌های مرتبط با حقوق کودک را در بر نمی‌گرفت به علاوه از ضمانت اجرایی همانند کنوانسیون نیز برخوردار نبود. این خلأها در کنوانسیون رفع شده است.

نوجوانان محروم از آزادی، اصول وین برای اقدام در مورد کودکان در نظام قضایی کیفری و همچنین روز جهانی مباحثه عمومی در مورد مسائل اجرایی نظام قضایی نوجوانان^{۱۸} مطابقت داشته باشد».^{۱۹}

تصویب اسناد بین‌المللی در کشورهایی که تاکنون دادگاه اطفال در آنها تشکیل نشده بود منجر به ارتقاء و پیشرفت سیستم عدالت کیفری و همچنین توسعه و تغییر برخی نهادها در این سیستم شد به نحوی که اکنون می‌توانیم از ایجاد یک انقلاب خاموش^{۲۰} در این زمینه یاد کنیم.^{۲۱}

در حقوق ایران، اولین قانونی که موادی را به اطفال بزهکار اختصاص داده بود، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ نام داشت. این قانون بدون اینکه آیین دادرسی ویژه‌ای را در مورد اطفال مورد پذیرش قرار دهد با قبول مسئولیت کیفری تدریجی، پاسخ‌های افتراقی را برای اطفال بین ۱۲ تا ۱۸ سال پیش‌بینی می‌کرد. اما تنها قانون ویژه‌ای که در زمینه دادرسی اطفال تاکنون در نظام داخلی ایران به تصویب رسیده است، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ بوده است. این قانون اولین قانونی بود که به طور کامل به مسأله اطفال بزهکار توجه می‌نمود. از مهم‌ترین مقررات شکلی در این قانون، ضرورت تشکیل دادگاه اطفال در هر شهرستان را می‌توان نام برد.^{۲۲}

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقررات این قانون با تصویب قوانین بعدی نسخ شد. لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی در سال ۱۳۵۸ به حذف دادگاه‌های اطفال منجر شد و رسیدگی به جرایم اطفال را به دادگاه‌های عمومی واگذار نمود اما آیین دادرسی افتراقی که در قانون سال ۱۳۳۸ پیش‌بینی شده بود همچنان

^{۱۸} نگرانی‌های کمیته در این مورد که اصول کلی کنوانسیون به نحو مقتضی در قانونگذاری و رویه دولت‌ها منعکس نشده‌است، موجب شد که کمیته تصمیم بگیرد تا سیزدهمین نشست خود را در ۱۳ نوامبر ۱۹۹۵ به موضوع «روز مباحثه در خصوص اجرای عدالت کیفری نسبت به اطفال» اختصاص دهد. در این روز به ویژه بر حق آزادی بیان کودکان و مشارکت آنها در زمینه‌های مختلف مرتبط با آنها تأکید شده است.

See :CRC Committee, Day of General Discussion . The administration of juvenile justice (UN Doc . CRC/C/43 Annex VIII, 1995) at:www.bayefsky.com/general/crc_disc_submlist_2007.doc

^{۱۹} Concluding observation of committee on the rights of the child about second periodic report of the Islamic Republic of Iran, CRC/C/15/Add.254, 31 March 2005, Para 72. (hereafter CRC/C/15/Add.254)

^{۲۰} quiet revolution

^{۲۱} Van Bueren, G .the international Law on the Rights of the child, The Hague, Martinus Nijhoff Publishers, 1998, p 169.

^{۲۲} طهماسبی، جواد، «تحولات دادرسی اطفال در حقوق ایران»، تعالی حقوق (ماهنامه آموزشی-خبری استان خوزستان)، شماره‌های ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، ص ۷۳.

لازم‌الاجرا بود. پس از آن با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو در سال ۱۳۶۱ و رأی وحدت رویه شماره ۶-۲۳/۲/۱۳۶۴ به جرایم افراد بالغ طبق مقررات عمومی در دادگاه‌های کیفری رسیدگی می‌شد.^{۲۳}

ایران در سال ۱۳۷۲ به صورت مشروط^{۲۴} به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده است. به موجب ماده واحده قانون اجازه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ «کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود؛ مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد». این شرط موجب شده تا کمیته حقوق کودک، در بررسی گزارش‌های مقدماتی و ادواری ایران انتقاداتی را نسبت به موضع ایران وارد نماید. با توجه به نظر کمیته حقوق کودک، خودداری ایران از پیگیری مسائل عنوان شده در توصیه‌های کمیته پس از ارائه اولین گزارش دوره‌ای و شکل شرط‌گذاری در تصویب کنوانسیون با هدف توقف و یا محدود کردن مفاد کنوانسیون^{۲۵} و کان لم یکن کردن آن بوده است که این امر نگرانی‌هایی را در زمینه قابلیت اجرای اهداف و برنامه‌های پیمان‌نامه توسط ایران ایجاد می‌کند. مسلماً حق شرط ایران با قیود «در هر مورد و هر زمان» و «تعارض با

^{۲۳} همان.

^{۲۴} استفاده از حق شرط در پذیرش اسناد بین‌المللی و به ویژه اسناد حقوق بشری امری پذیرفته شده است زیرا با توجه به تنوع فرهنگی و اختلافات موجود بین نظام‌های داخلی، تنظیم سندی که به طور کامل مورد پذیرش تمام کشورها باشد امری دشوار و یا غیر ممکن است. بنابراین حق شرط یا تحفظ در ماده ۵۱ کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده است. ورود شرط در صورتی که به صورت جزئی و مشخص نسبت به کنوانسیون اعلام شود از جهت بین‌المللی می‌تواند مورد پذیرش قرار گرفته و در نهایت منجر به تعمیق و فراگیر شدن گفت‌وگوها و توسعه قلمرو تعهدات قراردادی در عرصه جامعه بین‌الملل شود، اما این بیم نیز وجود دارد که ورود شرط توسط دولت دستاویزی برای گریز از پذیرش معیارها و استانداردهای جهانشمول حقوق بشری قرار گیرد. به همین علت ماده ۱۹ کنوانسیون وین مقرر می‌دارد: برای اینکه یک شرط در حقوق بین‌الملل معتبر باشد، باید با موضوع و هدف معاهده مورد بحث سازگار باشد. شرطی مغایر موضوع و هدف معاهده شناخته می‌شود که ناقض آن قسمتی از معاهده باشد که برای تحقق موضوع و هدف معاهده لازم است.

در ارتباط با ورود شرط توسط دولت‌های عضو برخی از کشورها به ویژه نسبت به مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون در ارتباط با دادرسی اطفال شروطی را وارد کرده‌اند برای مثال کشورهای استرالیا، کانادا، جزایر کوک، ایسلند، زلاندنو، سوئیس و بریتانیا ضمن تأیید اصل ۳۷ در خصوص بند ج آن یعنی شناسایی جدایی نظام‌مند کودکان از بزرگسالان بازداشتی شروطی وارد نموده‌اند مانند وضعیت‌های خاصی که جداسازی امکان‌پذیر نیست برای مثال کمبود امکانات و یا مواردی که جدایی مناسب نمی‌باشد مانند انتقال کودک به محلی دور از خانواده. در خصوص ماده ۴۰ همین سند، بلژیک، دانمارک، فرانسه، آلمان، موناکو، هلند، سوئیس و تونس کلاً محدودیت‌هایی را در مورد پرونده‌هایی که می‌توانند برای بررسی قضایی به رده‌های بالاتر ارسال شود منظور داشته‌اند. آلمان و هلند نیز ملاحظه کرده‌اند که ممکن است پرونده‌های مربوط به بزه‌های خفیف بدون کمک حقوقی بررسی شود. (اینوچنتی دایجست، منبع پیشین، ص ۳).

²⁵ CRC/C/15/Add.254, paras. 6&7.

قوانین داخلی یا موازین بین‌المللی» نمی‌تواند از جنبه بین‌المللی مورد پذیرش قرار گیرد؛ زیرا اصولاً مشخص نیست که جمهوری اسلامی ایران چه تعهدی را در مورد کنوانسیون حقوق کودک نسبت به خود پذیرفته و خود را ملزم به اجرای آن کرده است. به همین علت در ماده ۵۱ کنوانسیون آمده است که «تحفظی که با هدف و مقصود پیمان‌نامه حاضر مغایرت داشته باشد، مجاز نیست».^{۲۶}

با تصویب کنوانسیون حقوق کودک در اسفند ماه ۱۳۷۲،^{۲۷} قدم‌های ناکافی و ناتمامی در زمینه دادرسی اطفال برداشته شد که مهم‌ترین آن اختصاص یک فصل از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به «ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال» بود. در این قانون با وضع قواعد شکلی جهت رسیدگی به جرایم اطفال اجازه تخصیص یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال داده شد.

مقررات کنونی آیین دادرسی کیفری دارای نواقص و اشکالاتی است که در تصویب لایحه تنظیمی^{۲۸} باید مورد ملاحظه قرار گیرد تا شاهد ایجاد یک قانون جامع در زمینه دادرسی اطفال باشیم. از جمله نواقص آیین دادرسی کیفری می‌توان به فقدان یک دادگاه اختصاصی، صلاحیت دادگاه در رسیدگی به جرایم اطفال و بزرگسالان، الزامی نبودن تشکیل پرونده شخصیت، الزامی نبودن حضور مشاور در دادگاه، فقدان پیش‌بینی راهکارهای غیرقضایی در صدور حکم و تخصصی نبودن سایر نهادها نظیر پلیس و دادسرا اشاره کرد.

لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان سعی نموده تا علاوه بر رفع ایرادات فوق نوآوری‌هایی نیز داشته باشد. برخی نوآوری‌های لایحه عبارت است از:

- برقراری رژیم مسوولیت کیفری تدریجی برای اطفال و نوجوانان مرتکب بزه.

^{۲۶} از همان ابتدای تصویب کنوانسیون، خود نهادهای داخلی ذی‌ربط تصمیم گرفتند که «حق شرط» اعلام شده قبلی را مورد بررسی و تجدیدنظر قرار داده و مبادرت به اصلاح آن نمایند به همین منظور قوه قضائیه اقدام به برگزاری جلساتی با مشارکت صاحب‌نظران حقوقی و کارشناسان نهادهای ذی‌ربط نموده و چگونگی اصلاح «حق شرط» قبلی را مورد بررسی قرار دادند. (گزارش مقدماتی جمهوری اسلامی ایران در خصوص چگونگی اجرای کنوانسیون حقوق کودک، پاراگراف ۲۳). البته این شروع امیدوارکننده به نتیجه‌ای منجر نشد و تاکنون که ۱۶ سال از زمان تصویب کنوانسیون می‌گذرد ایران در زمینه شرط وارده بارها مورد انتقاد کمیته حقوق کودک و کشورهای عضو قرار گرفته است.

^{۲۷} کنوانسیون حقوق کودک که در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۹۱ از سوی نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران امضاء شده بود، در تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۷۲ (مارس ۱۹۹۴) توسط مجلس شورای اسلامی و به صورت «مشروط» تصویب شد. در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۴ با اعلام این حق شرط کلی جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ملحق و از تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۷۳ (۱۲ اوت ۱۹۹۴) این کنوانسیون برای ایران لازم‌الاجرا شده است. (گزارش مقدماتی جمهوری اسلامی ایران در زمینه چگونگی اجرای کنوانسیون حقوق کودک، پاراگراف ۱۰).

^{۲۸} مقصود لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان که پس از ارسال به مجلس به لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان تغییر نام داده است می‌باشد. (مهر، نسرین، «قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌کار: حال و آینده»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۵، ص ۴۲).

- اعمال تدابیر تربیتی و اصلاحی به مثابه مجازات و اعمال راهکارهای قضازدایی چون ارجاع به میانجیگری، تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای حکم.
- ایجاد نظام دادرسی ویژه و تأسیس نهادهای خاص چون دادگاه خاص، دادسرا و دادگاه تجدیدنظر اختصاص یافته، نهاد مددکاری اجتماعی و پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.
- اتخاذ تدابیری برای محدود کردن بازداشت موقت و پیش‌بینی قرارهای جایگزین بازداشت.
- فقدان آثار کیفری برای محکومیت اطفال و نوجوانان به منظور فراهم آوردن امکان حمایت از اطفال و ترمیم روان و شخصیت آنها.
- حذف مجازات اعدام و مکلف کردن قضات به بازدید از مراکز بازداشت و حبس اطفال و نوجوانان.
- لذا گرچه در موارد متعددی مواد این لایحه تکرار مواد قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار است اما در مجموع دارای ابداعات جدید و رویکرد حقوق بشری می‌باشد که در صورت تصویب، تغییرات مهمی را در سیستم دادرسی اطفال ایجاد خواهد کرد.

(ب) اهداف و انگیزه تحقیق

با توجه به ویژگی‌ها و ساختار نظام بین‌المللی حقوق بشر در زمینه دادرسی عادلانه اطفال و نیز وضعیت حقوقی ایران که در فوق عنوان شد، هدف از انجام تحقیق در دو بخش قابل ذکر است:

- اول؛ بررسی اصول و ضوابط دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی؛ هدف از این بخش بررسی اصول و ملاک‌های اجرای یک دادرسی عادلانه و منصفانه، با توجه به ویژگی‌های یک طفل به طور کلی و وضعیت طفل درگیر در نظام دادرسی به طور خاص است. در این زمینه سعی می‌شود تا اولاً؛ استانداردهای بین‌المللی و میزان مطابقت یا مغایرت مقررات داخلی با این استانداردها بررسی شود. ثانیاً؛ تجربیات نظام بین‌الملل در زمینه ایجاد یک نظام دادرسی عادلانه در داخل کشور مورد استفاده قرار گیرد.
- دوم؛ بررسی میزان بهره‌مندی مقررات نظام داخلی از اصول دادرسی عادلانه اطفال؛ در این موضوع توجه و بررسی مقررات داخلی با هدف ارزیابی میزان التزام مجریان و قانونگذاران ایران به مفاد کنوانسیون حقوق کودک با توجه به لازم‌الاجرا بودن این سند در نظام داخلی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حقوق ایران در زمینه اجرا و استفاده از نهادهای

موجود در حقوق بین‌الملل و در نهایت تأثیر ضوابط و ملاک‌های بین‌المللی در تنظیم لوائح مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و مقرراتی که در این زمینه صورت می‌گیرد.

ج) پیشینه تحقیق

بررسی موضوع دادرسی عادلانه اطفال چه در موضوعات مرتبط با نظام داخلی و چه در خصوص مسائل مطرح در نظام بین‌المللی، به اشکال مختلف صورت گرفته است. تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع دادرسی اطفال در سه دسته قابل طبقه‌بندی است:

اول: تحقیقاتی که به بررسی موضوع دادرسی عادلانه و یا یکی از جنبه‌های آن، صرفاً در نظام داخلی پراخته است.^{۲۹}

دوم: تحقیقاتی که علاوه بر بررسی موضوع فوق، به بحث تطبیقی نظام داخلی با یکی از نظام‌های خارجی و یا یکی از اسناد مهم در این زمینه پرداخته‌اند.^{۳۰}

سوم: تحقیقاتی که به یکی از جنبه‌های دادرسی عادلانه اطفال، به ویژه از بعد بین‌المللی، اختصاص یافته‌اند.^{۳۱}

اما آنچه این تحقیق را در بعد شکلی از سایر تحقیقات متمایز می‌کند فراگیر بودن آن از جنبه‌های مختلف است از جمله:

^{۲۹} از جمله؛ فرهنگ، محرم، آیین دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز)، ۸۰-۱۳۷۹. و نیز خسروی، مهدی، نحوه رسیدگی به جرایم اطفال در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۷۹.

^{۳۰} مانند؛ خواجه نوری، یاسمن، تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۸۲-۱۳۸۱. خدابنده‌لو، اصغر، بررسی تطبیقی دادرسی اطفال بزهکار در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.

^{۳۱} برای مثال؛ سپهری اصل، زهرا، اطفال و جایگزین‌های مجازات در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، ۱۳۸۳. غفاری، مهناز، بررسی فرآیند قضا‌دایی در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، ۱۳۸۴. و ملک‌زاده، امیر، پلیس کودک و نوجوان و نقش آن در دادرسی ویژه اطفال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، ۱۳۸۶.

- بعد زمانی: سیر دادرسی عادلانه در این تحقیق شامل گذشته، حال و لایحه‌ای که در حال حاضر در دست بررسی است، می‌شود. بررسی گذشته با توجه به اینکه، عصر طلایی نظام داخلی در زمینه دادرسی اطفال، قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار بوده است و با توجه به اینکه در تهیه لایحه از نکات مثبت این قانون استفاده شده، مورد توجه قرار گرفته است. بررسی قوانین موجود و لایحه در دست بررسی نیز به منظور ارائه راهکارهایی جهت حذف نقاط ضعف و تأکید بر نقاط قوت آن انجام گرفته است.

- بعد مکانی: مشخص‌ترین مؤلفه این تحقیق بررسی مواضع نظام داخلی و نظام بین‌المللی است که در این راستا به منظور غنی نمودن تحقیق در موارد مقتضی، رویه سایر کشورها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت بررسی نظام بین‌المللی نه تنها در وجود نهادهای جدید و پیشرفته بلکه از جهت لازم‌الاجرا بودن و نیز وجود تعهداتی برای دولت ایران در این زمینه است.

- بعد موضوعی: بررسی روند دادرسی عادلانه اطفال مراحل مختلفی را از زمان پیشگیری تا اجرای تصمیم دادگاه و نیز مراقبت‌های پس از آن دربر می‌گیرد و در میان این دو، موضوعات مختلف بسیاری نیز وجود دارد که اگرچه بیان همه آنها میسر نبود اما سعی شد تا به مهم‌ترین جنبه‌های موجود در این دادرسی پرداخته شود. از نظر ماهوی نیز مقررات مندرج در حقوق ایران و استانداردهای حقوق بشری به عنوان دو موضوع مستقل مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بلکه به ضوابط حقوق بشر بین‌المللی به عنوان اصول الزام‌آوری که کشور ما تعهد به اجرای آنها دارد و بخشی از حقوق داخلی است توجه شده است. به همین منظور نکاتی که کمیته حقوق کودک و یا کمیته حقوق بشر به عنوان چالش‌ها و خلأهای حقوق ایران مطرح کرده‌اند مورد بررسی قرار گرفته است و سعی شده تا از این طریق مسیر حقوق داخلی در جهت اهداف دادرسی عادلانه حرکت نماید.

د) سوالات و فرضیات

- ۱- آیا دولت ایران به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه دادرسی اطفال پایبند بوده است؟
- ۲- آیا استانداردهای موجود در حقوق بشر بین‌المللی در زمینه دادرسی عادلانه اطفال عالی‌ترین استانداردهای ممکن در این زمینه هستند؟

۳- آیا اصول دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی با مبانی حقوق داخلی به ویژه مبانی فقهی و شرعی در تعارض قرار دارد؟

۴- آیا تدوین لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان چالش‌ها و خلأهای موجود در حقوق ایران را مرتفع می‌نماید؟

که می‌توان فرضیات ذیل را در این خصوص مطرح نمود:

- ۱- خیر، حقوق داخلی با اصول موجود در حقوق بشر بین‌المللی فاصله بسیاری دارد.
- ۲- خیر، به منظور ایجاد اصول مشترک برای تمامی کشورها، استانداردهای حقوق بشری حداقل استانداردهای دادرسی عادلانه در زمینه دادرسی اطفال هستند.
- ۳- خیر، مبانی شرعی اصولی عقلی است که علی‌الاصول با مبانی حقوق بشری که مبتنی بر همین اصول است نباید در تعارض قرار داشته باشد.
- ۴- بله، هدف از تدوین لایحه رفع چالش‌ها و پرکردن خلأهای موجود بوده است و این لایحه دارای ابتکارات بسیاری در حوزه‌های مختلف است.

ه) روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان‌نامه روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد داخلی و بین‌المللی و سخنرانی‌های انجام شده در سمینارهای داخلی و خارجی بوده است. البته برای دستیابی به اسناد و سخنرانی‌های ارائه شده از دو کتابخانه تخصصی یعنی کتابخانه کرسی حقوق بشر و کتابخانه صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در تهران استفاده شده است.

و) سامان‌دهی تحقیق

این تحقیق در دو بخش، بخش اول با عنوان «چالش‌ها و خلأهای حقوق ایران در وضع استانداردهای دادرسی عادلانه اطفال» و بخش دوم با عنوان «راهکارهای حقوق ایران در پیشبرد استانداردهای دادرسی عادلانه اطفال» تدوین شده است. بخش اول در دو فصل بیان می‌شود. در فصل اول به بیان «اصول چالش برانگیز دادرسی

عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی با حقوق ایران» و بیان دو نمونه از مهم‌ترین مصادیق آن در دو گفتار یعنی «تدریجی بودن مسئولیت کیفری» و «اجتناب از توسل به ضمانت اجرای کیفری» می‌پردازیم و در فصل دوم «خلأهای حقوق ایران» را در دو گفتار «مشارکتی بودن دادرسی» و «سری بودن دادرسی» عنوان می‌کنیم. در بخش دوم «راهکارهای حقوق ایران در پیشبرد استانداردهای دادرسی عادلانه اطفال» را بررسی و این موضوع را در دو فصل «تأسیس مراجع اختصاصی رسیدگی به جرایم اطفال» و «وضع نهادهای مرتبط با اطفال و نوجوانان بزهکار» مورد توجه قرار می‌دهیم. از میان مراجع اختصاصی، به بررسی چهار مرجع یعنی «دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان»، «دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان»، «واحدهای ویژه پلیس اطفال و نوجوانان» و «واحدهای مددکاری» می‌پردازیم و نهادهای مرتبط با اطفال و نوجوانان بزهکار را در دو گفتار یعنی «تهادهای جایگزین دادرسی رسمی» و «تهادهای جایگزین مجازات‌های کیفری» مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

بخش اول: چالشها و خأهای حقوق ایران در وضع

استانداردهای دادرسی عادلانه اطفال

فصل اول: اصول چالش برانگیز دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی

با حقوق ایران

مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک اختصاص به موضوع دادرسی عادلانه اطفال دارد. بند اول ماده ۴۰ مسیر دادرسی اطفال را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که موجب دستیابی به اهدافی از جمله اعتلای مفهوم شرف و ارزش در ذهن کودک، تقویت احترام کودک به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران، ادغام مجدد کودک در جامعه و ایفای نقشی سازنده توسط او شود. چنانچه اهداف مورد توجه برای تشکیل و تأسیس نظام دادرسی اطفال بر مبنای اهداف مذکور در ماده ۴۰ کنوانسیون قرار گیرد، استفاده از مجازات به حداقل خود می‌رسد؛ برخورد با طفل توسط افراد آموزش دیده که خود موجب ترویج حقوق بشر و مفاهیم شرف و ارزش شوند انجام می‌شود؛ نظرات کودک در جریان دادرسی جلب می‌شود و رفتاری متناسب با درک و فهم او نسبت به امور صورت می‌گیرد.

اگرچه پس از الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک انتظار می‌رفت که مسیر قانونگذاری در جهت دستیابی به این اهداف قرار گیرد اما متأسفانه نه تنها تاکنون چنین آرمانی در نظام داخلی محقق نشده است بلکه شاهد انتقادات مکرر به ایران به ویژه در حوزه مرتبط با این اصول هستیم. به این معنا که بیشترین محل اختلاف میان نظام داخلی و نظام بین‌المللی در زمینه دادرسی اطفال مباحث مسئولیت کیفری، اعمال مجازات‌های شدید و خشن همانند اعدام و شلاق و فقدان جایگزین‌های مناسب است.

کمیته حقوق کودک پس از بررسی گزارش اولیه جمهوری اسلامی ایران نگرانی خود را در مورد وضعیت کودکان در پنج محور عنوان کرده بود: ۱- شرط ایران ۲- تعریف کودک ۳- عدم تبعیض بر اساس جنسیت ۴- حق حیات ۵- مسائل قضایی کودکان و نوجوانان.^{۳۲}

با توجه به موارد مذکور، چالش‌های موجود بین حقوق داخلی با حقوق بشر در زمینه دادرسی اطفال رادر دو دسته مدنظر قرار می‌دهیم.

³² CRC/C/15/Add.254, para.4.

- مسئولیت کیفری از جهات جهشی بودن، پایین بودن سن مسئولیت کیفری، ملاک قرار دادن بلوغ جنسی و تفاوت جنسیتی در تعیین این سن.

- مجازات‌ها از جهت فقدان پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین و نیز استفاده از مجازات‌های شدید نظیر شلاق، حبس ابد و اعدام.

یکی از چالش‌های اصلی در نظام داخلی بحث مسئولیت کیفری، ملاک آن و تعیین حداقل و حداکثر این سن است. مهم‌ترین اصل و سنگ بنای دادرسی عادلانه که هرگونه اقدام دیگری در این نظام مبتنی بر آن است، تعیین سنی مناسب برای شروع مسئولیت کیفری و اتخاذ اقدامات متناسب با این سن است. در تعیین سن مسئولیت کیفری می‌توانیم از ملاک‌های مشابه در زمینه‌های مختلف استفاده کنیم. یک نظریه عمومی وجود دارد مبنی بر اینکه باید تشابهی میان سن مسئولیت کیفری نوجوان و سنی که به عنوان یک عضو اصلی جامعه در نظر گرفته و مکلف به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی می‌شود وجود داشته باشد.^{۳۳} به این معنا که سن پذیرش مسئولیت کیفری باید منطبق با سنی که نوجوان به بلوغ می‌رسد و استفاده از حقوق اجتماعی‌اش را آغاز می‌کند قرارگیرد این در حالی است که در ایران تفاوت‌های عمده‌ای میان سن مسئولیت کیفری با سایر سنینی که نوجوان مسئولیت‌های اجتماعی را بر عهده می‌گیرد وجود دارد.^{۳۴}

موضوع چالش برانگیز دیگر، مسأله مجازات‌های قابل اعمال نسبت به اطفال و نوجوانان است. ممنوعیت اعدام، شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز موضوع بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک است که در مورد تمام اشخاص به جهت حفظ کرامت ذاتی انسان و در مورد اطفال علاوه بر حفظ کرامت انسانی به منظور اجتناب از آثار سوئی که بر آینده آنها می‌گذارد مورد توجه قرار دارد. لذا بر مبنای رعایت تناسب بین تصمیم و ویژگی‌های طفولیت، استفاده از مجازات‌های مذکور ممنوع شده است.

^{۳۳} کتاب راهنمای سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان، ترجمه توسط سازمان اصلاحات جزایی بین‌الملل (PRI)، چاپ اول، انتشارات وفاق، ۱۳۸۳، ص ۵۹.

^{۳۴} حداقل سن در قانون کار ایران پانزده سال تمام است (ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۶۹/۸/۲۹) و در کارهای کشاورزی که به صورت خانوادگی و سبک‌تر از کارهای دیگر است، این سن دوازده سال تعیین شده است. (قانون کشاورزی مصوب ۵۳/۱۲/۱۱) به موجب ماده ۲ خدمت وظیفه عمومی (مصوب ۶۳/۷/۲۹) پسرانی که از اول فروردین ماه سالی که در آن طی آن سال وارد نوزده سالگی می‌شوند، مشمول مقررات خدمت وظیفه عمومی خواهند شد. (گزارش مقدماتی جمهوری اسلامی ایران در مورد چگونگی اجرای کنوانسیون حقوق کودک، پاراگراف ۲۶).